

انواع قرار:

- ① قرار رد درخواست
- ② قرار رد دعوی
- ③ قرار ابطال درخواست
- ④ قرار سقوط دعوی
- ⑤ قرار رد ایراد رد دعوی
- ⑥ قرار بیهی تکلیف
- ⑦ قرار ابطال امریه مارتائی
- ⑧ قرار عدم صلاحیت
- ⑨ آنکه اسلحائی بهادت بهود
- ⑩ قرار تحقیق کلی
- ⑪ واکر سفارینه کلی

....

قرار اناطه

ايرادات شمس ۸۶ ق. آ. د. م.

۱- ايرار عدم صلاحيت > ذای محلی -> قرار عدم صلاحيت

نکات: ① این کار به طرفین (یعنی ملی) شود لذا این است در مقابل دارمانه یا گوی
سود اسامی یعنی برای
الملک می کشد.

② این قرار قبل اعلام نیست.

③ ايرار عدم صلاحيت ذاتی چه رأی تویه (لنگاه اعلام) شود و چه تویه

طرفین رسیدگی مورد تویه قرار میگیرد در مراحل بالا تر از موارد نقض رأی

مراجعه بود -> آسره -> اعم از این که به یکن در حکم ايرار است

یا نه باشد > تجدید نظر در لنگاه که تویه
مراجعه عالی (در روان عالی کردن) -> نقض

④ اگر عدم صلاحیت کلی باشد تہ بصورتی در بیان عالی شورائی صادر
* از وضع مانده صلاحیت کلی تنفیض کا شور کہ در حکمت شور دنا بیان ادینی صبیہی
بہ کن ایراد نہ ہا نہ ہے جدام ۳۷۱

* اگر ایراد عدم صلاحیت کلی مورد توجہ مرکز نہ باشد ہم بہ کن ایراد نہ ہے
ایراد نہ ہا نہ در دلتا ہ کدہ تو تنفیض کا شور ہے م ۴۲

ایراد اسر مطردہ : سابقہ مان دعوی یا دعوی ثابہ باقی طرح دکتہ لپی

است .. ① دارای وحدت موضوع و وحدت سبب یا دارای ارتباط کامل
دارد.

② ۱. دعوی سابقہ و دارای وحدت اصحاب دعوی ہا نہ

③ دعوی در عین رفع یا رفع و هم عرض بدان حکت رسیدنی است .

④ حکت رسیدنی است در وقتی به صدور حکم نرسد بان .

اراد عدم اهلیت :

① سوانع تقدم رافع است (نامه دعوی) خواهان اهلیت در دایره
بدان خبر بر او عارضی است

② سوانع تقدم رافع است (نامه دعوی) خواهان اهلیت بدان

③ خواهان اهلیت داشته اما خواننده اهلیت نداشته رضای نه کم

④ خواهان اهلیت داشته خواننده هم اهلیت داشته اما خواننده بعد از چار غیر

* بند ۳ ماده ۸۶ - خواهان بدان رضای اما امر دعوی اهلیت نداشته اراد عدم

رضایت - حق نامبر دعوی ندارد بدان رضای اهلیت

اِرَادِ عَدَمِ تَرَجُّهِ دَعْوَى بِه طَرَانَه

مَثَال د به حای این که بابت تعهدات زلزله‌ای نیست علیّه حوزات است (قائم دعوی ۱)
علیه صور است قائم دعوی شود.

بجایگاه علیّه محضر قائم دعوی شود علیه سیم (نامر دعوی)

اِرَادِ عَدَمِ اِجَازِ سَمْت ← عَانِتَه
حکومتی
قانونی
نصابی
درغای

اِرَادِ اَمْرِ مَحْکُومَه یا نَصَادَتَه :

- ① دعوت موضوع ② دعوت سبب ③ دعوت احیای دعوی
④ صدور حکم قطعی یا قرار سقوط دعوی

اِرَادِ عِدَمِ تَرْتِبِ اَشَارَتَانُوں پر دعویٰ.

اَلرَّحْمَنُ دِلْدَرِ رِیْہِی ماحوی صم سُو دِبا رِہِی اَرَقَانُوں بِرِکَن بَارِکُو اَکھُوں

سَمَال عَسُو کَر عَمِی — بَقَض — رُفَع — ہُوَرِ بَقَضِ عَمِدَتِ کَرُوں

اِرَادِ عِدَمِ شُرْعِیَّتِ دَعْوِی — حَوَالَتِہ بِاصْصَرِغِ رَعْوِی مَالِ دِاَسْرِا مَہْدِی

اِسْتِہ مَلِی کَوِیْل مَوَلَدِ کُذُر — مَہْدِیَاتِ اَلْکَلِی — تَقْل — رِہِا

• اِرَادِ عِدَمِ جَوَہِیَّتِ دَعْوِی (عِدَمِ تَجَنُّزِ خَوَالَتِہ) — سَرْدِ دَرِیَسِ دِاَسْرِ

حَوَالَتِہ: اِلْاَمِہ بِ کَوِیْلِ صَمِغِ یَا اِسْتِہ اِرْعَمِی

اِحْمَاکِی بِاِسْتِہ وَصْفِی — مَہْمَاہ لَزَائِنِ اَکْہَمِ طَلِیْطَامِ

ایراد عدم ذی نفعی — برای خواهان تقنی مصوریت.

مشرع
قانونی
به عطف آئین
مافی باره

ایراد طرح دعوی خارج از موعود قانونی

نکته: مستوداتی بنده کجاست هی اعمه لعل ریده به خود در ظاهر است.

سر در زمان — به آئین لعلی مدنی به دارم.

❖ دعوی تقنی اوله — طرف آماه — ۳۱۶۲ ق.م.

❖ دعوی علیه مصدق محل رستل — ۳۹۳ ق.م. تبی کمال

❖ دعوی علیه ضرر رسی اساری کای — ۳۲۶ ق.م. تبی کمال

قرار عدم اسماع دعوی

ایراد عدم رعایت ترتیب مستند سازی

الف - سند بهانه داری

۹۳ ص ۱

ب - سند رسمی

۹۴

اصل - اصل سند رسمی

ج - سند بهانه داری

↓

در اقامه به تنظیم سند رسمی بپردازد

سند بهانه داری

قرار عدم اسماع دعوی

ایراد عدم طرح دعوی علیه همه اشخاص متاثر از دعوی.

انذار مالی بکریه : مستلزم رعایتی استثنایاری.

ب) غیر مالی بکریه : اثبات کسب

کلیت طریق ارادات ^{اصل} بیان حسب اصل ریشه‌ی

خوانده

نکته‌ای که اراد بعد از اتمام شور یا اراد است

۱۵۳ - ارادات فواحش یه که نه سطح کنه - اراد عدم احوال تحت

محانت اجرای ارادات معارضه برده خوانده

① اراد عدم صلاحیت - قرار عدم صلاحیت

② اراد امر معارضه - (ا) اگر چه در بدو نه در یک سینه باشد نه قرار ریشه‌ی کمالان

(ب) اگر چه در بدو نه در دو سینه متفاوت باشد نه قرار استماع
از ریشه‌ی صلاحیت کنه ^{چندین طریق} عریضه‌های به یک سینه به سبب
ارطاع دارد برای ریشه‌ی کاب خود هر دو نه ارسال کنه

نه هر دو در بدو نه هر دو نه تعاضی
مختلف باشد - قرار استماع از ریشه‌ی صلاحیت

↓
برنده برای رسیدن بواسطه رسیدن رلدر در جایی کوار

③ اراد عدم اهلیت خواهان → در میان تدریج رله است (مانند دعوی ابطال اهلیت از آنجا در شسته → در اسد رملی نمی تواند خوانده

اگر خواهان موافق تدریج رله است اهلیت ندارد یا در شسته (در اسد رملی) → حوزی بینان
خواهان بدین ترتیب می نویسم اما خارج دعوی در واقع تولا حتم، دی - دمی - در شسته
در دما لفته

حالت اجرا → ۸۹ → عدم اهلیت خواهان نه نه میان تدریج رله است مگر در رد

دعوی
حالت اجرای حدیث حجریم لزوماً دعوی تولا خواهان → ۸۰۶ → توقف رسیدن
به هر صورت

حکم خواندن دعوی ← در زمان رسوائت (نامہ دعوی) خواندن می تواند برگرداند
نسبت به مذهب دعوی اشاعه کند.

✓ بعد از ← هر ۱۰۵ ← از اوصیت دیگری صفا
صاف می کند.

④ اراد عدم رقبه دعوی به خوانده ← زکارد دعوی.

⑤ اراد عدم احوال محبت ← خوانده طحینه در ادبی نمی پذیرد
خوانده ← زکارد دعوی.

⑥ اراد اعتبار امر تصادف نه یا ختمه ← زکارد دعوی

• عیانت لیدی رنگاه - عیانت رنگاه به (صور صبی - تزلزلش اصلاحی) اعتبار

⑦ اراد عدم ترتیب آثار قانونی ← زکارد دعوی
استخوانه نه اند

⑧ اراد عدم معتد دعوت مرسوم دعوی ← زکارد دعوی

⑨ ابرار عدم غرضیت دعوی باطنی رہنمائی پران سے زکار رد دعوی

⑩ ابرار عدم رضی تفعی خواہاں ہے زکار رد دعوی

⑪ ابرار طرح دعوی خارج از موضوع مکتوبی ← زکار رد دعوی

⑫ ابرار عدم رعایت ترتیب منطقی دعوی ← زکار عدم اسماع دعوی (۲۴)

⑬ ابرار عدم طرح دعوی علیہ ہے اشیائی متاثر در دعوی

دعوی قابل تکرار ہے
سبب جو ادعا کرتا ہے کہ اس نے دعویٰ
کیسے کی ہے

دعوی قابل تکرار ہے

زکار عدم اسماع دعوی

* ایراد رد داری : ص ۹۱

اولاً بحث ندارد امانیت تا بیان صلب لون و لسی ستریم اتحاد است.
ثانیاً حور قاضی هم اثر به اندرین ازها صحر دلدو باید لدر به سی استماع کند.
ثالثاً قاضی ایراد می پذیرد. - بیدل که استماع لدر به سی ^{در پس می آید}
ایراد را ردی کند. ← برادر (رد) ایراد (رد) داری

نقبات

این گویات رد قاضی (عمومی - کیده فکر - اعقاب - دیوان عدالت)

رسن قاضی ^{یا زنده هم} را اصحاب دعوی نه در کل

ص ۱۲ لای استدل کانون ط ۱۰ : صدی که دلیل دکتوری یا زوجه ادبانی

یادداشتان یا داریا ری یا برسی — کرابت — — طالت پیرفته

مخالو

* لجات ید قاضی علی الفصل از نوارد در دوریت



حالت اجرا ← دانش علی الم ن رلد — اور سیدی کی کنه

دندس علی الیل ندارد — از طریق رشی حور و نصای به
سقبه رگر هت رسیه کی اعطای می شود

التر حور و نصای رشیه در لکریه لکته یان — تر ریسو رین داساه
م آرا سماع از رسیه کی — آر سول لکته
قرار رد اراد ر رارس — آر پیر زرد
هم عرض

مزار ابطال درخواست ہے ۹۵ لکھی کہ بیارہ بعد توضیح درخواست بائے عمل اعم الباع
 مدد بہ بیاضہ — توضیح درخواستہ صحت ثابت نماند یا صحت ہو کہ از ہی بدوی
 باشد و نتواند بدون اقد توضیح رأی صادر کند — مزار ابطال درخواست

ر ۹۶ — اگر درخواست اصل اسناد
 اگر خواندہ — اصل + اردو

نوکھ نہ لکھا اسناد — ترکیہ
 انکار
 جعل

انکار
 اردو اقرار
 خواہن مسئلہ
 اورہ دیکری بیان
 اصل ہی ہو
 درخواست برای صحت

اصول و ایادہ
 خواہان —
 سند جاری
 سند رسمی

سبب - معادای - انکار
ترکیه
ادعای جعل

ثبت به سند رسمی - سبب ادعای جعل

فرآورده اصول را بنا دارد
سند عاری
سند رسمی
ملک دار
دلیل از سبب
دلیل قتل است در
قاعای شود

محبت
درخواست استیمهال - باب استقلال

اگر فرآورده به واسطه کمی صورت نتواند ملوک در مالکات خود را از اضماع ملایمی و آله
از دستگاه تقاضای تأخیر طلب را بجا نهد.

م ۹۶ - تأمین طلب توسط فرآورده
م ۹۷ - تقاضای محبت توسط خواهان - بجز طلب
م ۹۹ - تأمین طلب طلبی به
تقاضای طرفین متضاد برای
بیکبار

م ۲۱۶ ← کتب انگار و ترجمه

سنة ثبت و تعدادی

ترجمه ثبت و تعدادی (موردی)

دنگار ثبت به خط - جو - اصناف از
کتابت
حوزه علمی

م ۲۱۷ ← کتب اظهار ترجمه انگار - تا اولین صبه لکری

اصورت صبه حکم عمای و داغواهی تولد (فوائد) - داغواهی امن و داغواهی

نومین به لغات اسناد صورتی به

• امکان اظهار ترجمه انگار باید تا اولین صبه لکری صورت بگیرد

به مدد لکری در مرحله داغواهی لدرانه می شود

ارغای جعل - سند عادی

عذر ازانکه در صبه اول - حالت (پاسر) ۲۲

تا اولین صبه لکری - سند رسمی

اللاغ به شخص ← طرف ۱۰ رفته از تاریخ ابلاغ اصلی سند را به دست دنگار گویند و در صورتی که به استعاده از سند بای یار
اللاغ به شخص

در صورت عدم شکی در نگاه یا معجزه رسانندگی — اصل هر سحر و جادوی قوت

✓ استثناء — اگر به طریق

حرره ایمنه — حد اکثر

آگاه
اخلال بر نظم نگاه — اصحاب دعوی یا طایفه ای که ^{آگاه} عیب از نظر

تاکید دارند

افواج از نگاه

سایر اشخاص
مستند

عیب تا ۶۴ ساعت

در موارد ذیل عین اظهارات مذکور می شود ① وقتی مشن ابراز له یا نه .

② یک کلام اصحاب دعوی یا خواهان

اطلاعات طرف مقابل استعداده

③ تصویر که خود نگاه ریح عین اظهارات را قلم برداری به آن

تَوْفِيقِ دِلْدی :

یکیل لہ اصحابِ دعوی
(درمیان دلی)
نوت
محجور
زوال یک

موجہاً

و دلدی مکتوفی سُر

صغرائی کہ سببِ یہ سببِ قابل

رسیدی بارہ کہ سببِ نگاہِ دلدی
الہامی یا بد

سواردی کہ سببِ تَوْفِيقِ دِلْدی مہی سُر —————
ماہِ زائست یا زندای برون کی لڑلھی

دعوی
رفتن بہ مأثوریتِ صغای یا ددی

ماہرتِ صغردی

(ماہِ یکت سائبِ محبتِ دلدی وکیل می رہر)

